

تاریخ اجتماعی شیعیان ایران و عراق در نیمه دوم قرن هشتم هجری

پدیدآورده (ها) : انورفیاضی، محمد
تاریخ :: تاریخ اسلام در آینه پژوهش :: پاییز 1387 - شماره 19
از 95 تا 124
آدرس ثابت : http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/359857

دانلود شده توسط : رسول جعفریان
تاریخ دانلود : 17/01/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائهٔ مجلات عرضه شده در پایگاه،مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه قوانین و مقررات استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.

پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

فصلنامه
علمی ـ تخصصی تاریخ در آینهٔ پژوهش
صفحات ۱۲۴ ـ ۹۵
سال پنجم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۷

History in the Mirror
Of Research:
An Academic Quarterly
Vol, 5, No.2, Fall 2008

تاریخ اجتماعی شیعیان ایران و عراق

درنیمه دوم قرن هشتم هجری[1]

*محمد انور فیاضی**

چکیده

تاریخ اجتماعی شیعیان، در برگیرندهٔ نگاه جدید و تازه‌ای به پیشینهٔ تاریخی شیعیان است که ضمن آن، وضعیت روابط اجتماعی و نیز عناصر و مؤلفه‌های حیات اجتماعی شیعیان به بحث نهاده می‌شود. از سوی دیگر، مطالعه تاریخ اجتماعی شیعیان بر مبنای اصول و ضوابط تاریخ اجتماعی که به لایه‌های پنهان جامعه نظر دارد و به بازشدن حقایق و ناگفته‌های تاریخ سنتی می‌انجامد، ضروری به نظر می‌رسد، زیرا در پس آن، حقایقی از متن زندگی شیعیان بازگو می‌شود که هیچ‌گاه در تفکر سنتی تاریخ به آن توجه نشده است.

مقاله پیش‌رو با توجه به برخی مؤلفه‌ها و عوامل اثرگذار بر تاریخ اجتماعی، به بررسی تاریخ اجتماعی شیعیان پرداخته و با ذکر شواهدی سعی دارد احوال و اوضاع شیعیان را از نظر معیشتی، رفتارها، مراسم و... برای خوانندگان بیان کند.

واژگان کلیدی: تاریخ اجتماعی، شیعه، شیعیان، قرن هشتم، مؤلفه‌ها و عوامل تاریخ اجتماعی و نهادها.

---

* دانش‌آموخته حوزه و دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ تشیع. دریافت ۸۷/۸/۲۰ ـ پذیرش ۸۷/۱۰/۲۸.

www.noormags.ir

مقدمه

تاریخ اجتماعی بُعد خاصی از تاریخ و نتیجه یک فرایند فکری، پس از رنسانس به حساب می‌آید. تحول مهم رنسانس، همان‌گونه که بر بسیاری از ابعاد زیستی و فکری تاثیر گذاشت، تاریخ را نیز متحول ساخت. البته رسیدن به مرحله تاریخ اجتماعی پس از چند مرحله دگرگونی فکری در عرصه تاریخ و تحولات جامعه صورت گرفته است. تاریخ اجتماعی برایند مستقیم مکتب آنال[۲] است. نکته قابل توجه در تاریخ اجتماعی همان بُعد مقابله آن با تفکر سنّتی حاکم بر تاریخ است. در این شیوه، رویکرد تاریخ توده‌ای و مردمی شده و نگاه به لایه‌های زیرین جامعه معطوف می‌شود.

در این تحقیق، زندگی شیعیان ایران و عراق از زاویه تاریخ اجتماعی ـ در نیمه دوم قرن هشتم هجری ـ بررسی شده است. دوره‌ای که این نوشتار عهده‌دار بیان تاریخ اجتماعی آن در مورد شیعیان است زمانی است که اسلام از یک قاره و دو قاره پا را فراتر نهاده و به عنوان یک دین و آیین الهی، جهانی شده است. اسلام به عنوان یک دین که از نظر قلمرو، توسعه یافته و در حال گسترش به سمت شرق و غرب است؛ نه تنها در برابر هجوم‌ها و مقابله‌های دشمنانش عقب ننشسته که به پیروزی‌های چشم‌گیری نیز در دنیا نایل آمده و حتی مهاجمانش و برخی جهان‌گشایان را مرعوب آموزه‌های خویش ساخته است که نمونه روشن و بسیار هویدایش اسلام حاکمان و ایلخانان مغول است.

بررسی و بیان اوضاع جهان اسلام و بلکه شیعیان به گستردگی قلمرو اسلامی کاری فراتر از حوصله و توان این سطور است، از این‌رو تنها به بیان اوضاع اجتماعی، به طور محدود و کوتاه در ایران و عراق بسنده می‌کنیم که در حاکمیت ایلخانان مغول قرارداشت.

www.noormags.ir

محدودهٔ این نوشتار بخشی از دورهٔ ما بین انقراض ایلخانـان و هجـوم تیمـور (دوره فترت[۳]) به ایران و عراق مـی‌باشـد. مشخـصه خـاص ایـن دوره حاکمیـت خاندان‌های محلی و به تعبیری ملوک الطوایفی است. با مـرگ سـلطان ابوسـعید، آخرین ایلخان و نداشتن فرزند پسر، حاکمیت نسبتاً یک‌پارچه در سـرزمین ایـران دست‌خوش تحولات عمیق اجتماعی شد. دسته‌های نیرومند خاندان‌های پرقدرت محلی برای کسب قدرت با هم درگیر نزاع و کشمکش شـدند. در ایـن هیـاهو و بازار آشفته برخی حاکمیت‌های مستقل و نیمه مستقل نیز شکل گرفتند که به آنان عنوان حاکمیت‌های «ملوک الطوایفی»[٤] می‌دهند.

نبود حاکمیت یکپارچه و به تعبیر دقیق‌تر، انقراض حکومت مغول، سرداران و خاندان‌های پرنفوذ محلی را بر آن داشت که بـرای تحکـیم پایـه‌هـای اقتدارشـان دست به‌کار شوند. چنین فکری در چندین نقطه از قلمرو واحد، موجـب شـد تـا نزاع‌های محلی و مقابله‌هـای مختلـف از زاویـه‌هـای گونـاگون صـورت گرفتـه، نابسامانی اجتماعی، غارت وعدم حرمت به اموال و نوامیس مردم را در پی‌داشته باشد.

بار اصلی این تحولات و قیام‌ها بر عهده مردمی بود که در جهت خواسته امـرا به‌کار گرفته می‌شدند. ترس، وحشت، غارت، نومیدی، بی‌پناهی و...، مـردم را بـه شدت آزار می‌داد. دراین میان برخی قیام‌ها با تکیه بر مبانی شـیعی انجـام شـد و بسیاری را به سمت خویش جذب کردند. نابسامانی‌های اجتماعی سبب مـی‌شـد تا آموزه‌های شیعه به مثابه پناهگاهی امن برای برخی از مردم ستم دیده درآیـد. از این رو، مشایخ، زهاد و بزرگان شیعه مورد توجه و علاقه بسیاری قرارگرفتند. این وضع باعث شد تا برخی از مشایخ شیعه که بیشتر آنها گرایش صـوفیانه داشـتند، حکومت‌هایی تشکیل داده و با بهره‌مندی از دستورات و مضامین خاص شیعه بـه تحکیم آن همت کردند. «نهضت‌های این دوره ایران بـه لبـاس دیـن و بـه ویـژه مذهب تشیّع و مسلک تصوّف»[٥] ملبس بود.

www.noormags.ir

جنبش‌های روستایی قرون وسطی در ایران بارها زیر علم سبز تشیّع توسعه یافت، زیرا افکار و عقاید شیعه با روحیه مخالفت آمیز روستاییان هماهنگ بود.[۶]

اولین دسته از این نوع حکومت صوفی مسلک شیعی، سلسله شیخیه جوریه یا سربدارن خراسان و دسته دیگر، سلسله مرعشیان از پیروان میرقوام الدین مرعشی بودند که مدتی در خراسان به ریاضت مشغول بود و آن‌گاه به آمل رفته، سلسله مرعشیان مازندارن را تشکیل دادند. نهضت حروفیه قیام دیگری بود که آموزه‌های شیعی را بازگو می‌کرد:

از دیر باز تا امروز آنان (حروفیون) چشم به راه «قائم» ائمّه هستند که در حدیث، نام دیگری نیز برای او آمده و «مهدی‌اش» خوانده‌اند. و آنان می‌گویند که او صاحب سیف است و درباره او این حدیث آمده است: او زمین را با راستی [دادگری] می‌کند، پس از آنکه زمین با بیداد و تجاوز آکنده شود. آنان ایمان دارند که وی به نیروی شمشیر، ظلم را که تجاوز بعضی به بعضی دیگر است، ریشه‌کن خواهد نمود.[۷]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

تعریف تاریخ اجتماعی

برای تاریخ اجتماعی مثل بسیاری از مفاهیم علوم انسانی نمی‌توان تعریف دقیق فلسفی ارائه کرد، بلکه تنها می‌توان با توجه به کارکرد آن، به گونه‌ای آن را تعریف نمود که برای مخاطب و خواننده مفهوم باشد : «تاریخ اجتماعی نوعی فهم از تاریخ است که در مقام تحلیل و تبیین حوادث به گرایش‌های فکری، ویژگی‌های اخلاقی و سبق و سیاق زندگی عامّه مردم نیز به عنوان یک عامل اثرگذار بر روند حوادث، نگاه می‌کند». تاریخ منهای حاکمیت یا توجه به اقشار پایین جامعه، یا توجه به روابط میان همه انسان‌ها، یا «دانش بررسی تاریخ گروه‌ها یا فعالیت‌های اجتماعی»[۸] و... همه بخشی از کارویژه‌های تاریخ اجتماعی را بازگو می‌نماید.

www.noormags.ir

منابع تحقیق

در این تحقیق عمدتاً از منابع دست اوّل تاریخی،سفرنامه‌ها، جغرافیای تاریخی استفاده شده و در حد لزوم نیز به منابع دست دوم و مطالعاتی مراجعه شده است. درباره منابع، چند نکته یادآوری می‌شود:

۱. نگاه منابع تاریخی به تاریخ، همان نگاه سنّتی است که برمحور حاکمیت و امرا می‌چرخد وکمتر به مسائل درونی جامعه، روحیات و نوع زندگی مردم می‌پردازد، اما می‌توان از لابه‌لای سطور آن به برخی امور مربوط به تاریخ اجتماعی شیعه اثناعشریه (موردتحقیق) دست یافت. از سوی دیگر، زندگی مردم از تحولات کلی در جامعه تأثیر می‌پذیرد و تحولات حاکم بر جامعه، بر روحیات و سبق و سیاق زندگی مردم بی‌تأثیر نیست، از این‌رو اگر به برخی حاکمیت‌ها اشاره می‌شود به دلیل همین اثرگذاری آن‌هاست.

۲. سفرنامه‌ها به دلیل اینکه نوعاً منعکس کننده اوضاع و شرایط جاری بر زندگی مردم است و سفرنامه‌نویسان در متن مردم قرار داشته‌اند، بهترین منبع برای مطالعه تاریخ اجتماعی است. در این نوشتار از سفرنامه ابن‌بطوطه و کلاویخو نیز استفاده شده است. البته بخش‌های مورد استفاده ازسفرنامه ابن بطوطه به اندکی قبل از شروع نیمه دوم قرن هشت هجری[۹] و سفرنامه کلاویخو به بعد از آن مربوط می‌شود. کلاویخو سرپرستی هیئتی را به عهده داشت که پادشاه اسپانیا برای ملاقات با تیمور گورکانی فرستاده بود. این هیئت در دهه نخست قرن نهم هجری به راه افتادند تا با تیمور ملاقات داشته باشند. آنچه در سفرنامه‌اش نگاشته است به علت نزدیکی زمانی‌اش با دورهٔ مورد بحث می‌تواند مورد استناد قرار گیرد، زیرا باورها، مراسم و میزان حضور و عدم حضور پیروان یک مذهب چیزی نیست که در چند سال اندک دچار تغییر شود و طبعاً یک پدیدهٔ اجتماعی از مدتی پیش به تدریج شکل می‌گیرد و ناگهانی از بین نمی‌رود، بلکه مدتی ادامه می‌یابد.

www.noormags.ir

نزهه القلوب مستوفی با موضوع جغرافیای تاریخی، منبع مهم دیگری است که از آن دربارهٔ حضور و پراکندگی شیعیان در مناطق و شهرهای گوناگون ایران و عراق و نوع تشیّعشان استفاده شده است.

اینک پس از مقدمه، مباحث اصلی این نوشتار در سه بخش ارائه می‌شود:

الف) مؤلفه‌های تاریخ اجتماعی شیعیان

سبک زندگی

سبک زندگی،[10] روش‌های متفاوت زندگی را نشان می‌دهد. این اصطلاح به «شیوه‌های زندگی» و به معنای «طرز زندگی» نیز به کار رفته است. سبک زندگی، مجموعه‌ای منسجم از همه رفتارها و فعالیت‌های یک فرد در جریان زندگی روزمره است. این مفهوم می‌تواند گویای واقعیت پیچیده رفتارها و حتی نگرش‌های فرهنگی و اجتماعی در جامعه باشد که بر ماهیت و محتوای خاص تعاملات و کنش‌های اشخاص در هر جامعه دلالت دارد.

سبک‌های زندگی مجموعه‌ای از طرز تلقی‌ها، ارزش‌ها، شیوه‌های رفتار، حالت‌ها و سلیقه‌ها در هر چیزی، مانند معماری، دکوراسیون و فرش کردن خانه، اثاثیه منزل، نوع حمل و نقل، پوشاک، تغذیه و... را در برمی‌گیرد. سبک زندگی را نباید با فرهنگ یکی دانست. شاید بتوان گفت که فرهنگ، جمع کل سبک‌های زندگی در جامعه است؛ یعنی فرهنگ فراتر از سبک زندگی، جمع ارزش‌ها، طرز تلقی‌ها و رسم‌ها می‌باشد.

سبک زندگی یکی از مؤلفه‌های[11] تاریخ اجتماعی است. یک مجموعه اجتماعی را با توجه به سبک زندگی‌شان می‌توان از دیگر مردمان و جوامع باز شناخت. این مؤلّفه به چگونگی زیستن فرد در جامعه که در واقع تجلّی روحیات و عادات مردم است، اشاره دارد. سبک زندگی مردم، بخشی از هویتشان را

www.noormags.ir

تشکیل می‌دهد. برای نمونه، یک فرد چه می‌پوشد چه فرشی دارد و چه ذائقه‌ای نسبت به فلان غذا (مثلا غذای تند) دارد؟ اهمیت سبک‌های زندگی، همسان با تعلق فرد به طبقه اجتماعی در روزگاران گذشته است.

یکی از سبک‌های زندگی در میان شیعیان، شیوه تغذیه آنان است. چگونگی خورد و خوراک شیعیان و تغذیه‌شان، مانند نشستن موقع غذا خوردن، تنها تناول کردن یا با هم غذا خوردن، با دست غذا خوردن یا استفاده از قاشق، ممکن است از قرن هشتم هجری تاکنون تفاوت کرده باشد، گرچه از لحاظ مواد مصرفی تفاوت ماهوی را نمی‌توان مشاهده کرد. به عنوان مثال، خوردن گوشت خرگوش برای شیعیان همان گونه که اکنون مرسوم و پذیرفته نیست، درقرن هشتم نیز شیعیان آنرا مصرف نمی‌کردند. ابن بطوطه در مورد اینکه شیعیان گوشت خرگوش نمی‌خورند، می‌نویسد:

چون مردم دیدند ما دست بسته نماز نمی‌خوانیم ... ما را متهم به رافضی بودن کردند. تا آنکه نائب امیر خرگوشی برای ما فرستاد و یکی از خدّام را مأمور کرد که مواظب ما باشد و به بیند که چه کار می‌کنیم، زیرا رافضی‌ها گوشت خرگوش نمی‌خورند.[۱۲]

نوعی دیگر از روش تغذیه در میان شیعیان، مهمان‌داری ایشان و استفاده از موادی مانند نان، خرما و گوشت جهت پذیرایی از مسافران، زوّار و طلاب علوم دینی بوده است. ابن بطوطه در کنار بارگاه امام حسین﵇ از مدرسه و زاویه‌ای اسم می‌برد که شیعیان در آن به مسافران غذا می‌داده‌اند:

روضه مقدسه امام حسین﵇ در داخل شهر واقع شده و مدرسه بزرگ و زاویه‌ای دارد که در آن برای مسافرین طعام می‌دهند.[۱۳]

و در جایی دیگر می‌نویسد:

www.noormags.ir

از باب حضرت، وارد مدرسه بزرگی می‌شود که طلاب و صوفیان شیعه در آن سکونت دارند، در این مدرسه از هر مسافر تازه وارد سه روز پذیرایی می‌شود و هر روز دوبار غذای مرکب از نان و گوشت و خرما به مهمانان می‌دهند.[۱۴]

شکل بناها و معماری، نوعی دیگر از سبک زندگی مردم را تشکیل می‌دهد. در قرن هشتم در بیشتر شهرها بناها و خانه‌های مسکونی در داخل قلعه‌ای محکم ساخته می‌شد که دیوار و برج و باروی قلعه به شکل نگهبان خانه‌ها و ساکنان آن در می‌آمد تا در برابر مهاجمان، دزدان و ایّام جنگ‌ها مردم بتوانند محفوظ بمانند. به عنوان نمونه می‌توان به قلعه نیشابور اشاره کرد:

... در کوچه باغ‌ها جنگ می‌کردند تا نیشابوریان عاجز شده، دروازه‌ها بستند و از پس دیوار به کار و زار مشغول شدند.[۱۵]

معماری و بنای مساجد نیز با طرز با شکوه، امر مرسوم بوده است در سبزوار مسجد جامعی با طاق و ایوان بلند، حوض، فضای زیبا و جذاب به دستور علی مؤید بنا شد که ابن‌یمین در قصیده بلند بالایی از زیبایی و بنای آن توصیف می‌کند.[۱۶]

نمادها

نماد، یکی دیگر از مؤلفه‌های تاریخ اجتماعی است. هر نماد، منتقل کننده و دربردارنده پیامی است که به دو نوع «نمادهای زبانی» و «نمادهای غیرزبانی» قابل تقسیم می‌باشد. اگر نماد، متنی را به دیگری انتقال ندهد در مجموعه نمادهای غیرزبانی قرار می‌گیرد. رنگ پرچم کشورهای مختلف، پوشش جامه سیاه در عزاداری‌ها، لباس خاص روحانیت و... هرکدام پیامی را در بردارد و در بخش نمادهای غیرزبانی قرار می‌گیرد. در زمان مورد بحث، «اسب زین کرده» نمادی بود که مفهوم انتظار را برای شیعیان در برداشت، چه اینکه شیعیان مراسم انتظار را در نقاط مختلف، مانند حله[۱۷]، کاشان و سبزوار[۱۸] با اسب زین کرده برپا می‌کردند.

www.noormags.ir

در مقابل اگر نماد، نوشتاری را دربرداشته باشد، جزء نمادهای زبانی به حساب می‌آید که گویای اهداف و انگیزه خاصی است. کتیبه‌ها، ضرب‌المثل‌ها، لطیفه‌ها، سکه‌های مضروب و...، در شمار نمادهای زبانی قرار می‌گیرند و هرکدام متنی را به دیگران انتقال می‌دهد. سکه‌هایی که در قرن هشتم هجری از جانب سربداران ضرب شد و در میان مردم رایج بود به خوبی از گرایش سربداران و نوع مذهب آنان و شیعیان آن زمان، حکایت می‌کند. نوشته‌های روی یکی از سکه‌ها، حاشیه و پشت آن، به ترتیب چنین است:

ـ لااله الاالله الملک الحق المبین محمّدرسول الله الصّادق الوعد الامین. علیّ ولی‌الله صلی‌الله علیهم.

ـ اللهم صل علی محمّد المصطفی و علی الولیّ و الحسن الرضا و حسین الشهید و علی زین العابدین و محمد الباقر و جعفرالصادق و موسی الکاظم و علی الرضا و محمد الجواد و علی الهادی و حسن‌العسکری و محمّدالحجه خلف‌الله.

ـ قل اللهم مالک الملک تؤتی الملک من تشاء و تنزع الملک من تشاء و تعزّ من تشاء و تذلّ من تشاء بیدک الخیر انّک علی کل شیءٍ قدیر.[۱۹]

آداب و رسوم

مراسم گوناگون و چگونگی برگزاری آن، مؤلفه دیگری است که تاریخ اجتماعی شیعیان را بازگو می‌کند، شیعیان اثناعشری در این قرن برای برخی رسوم مذهبی‌شان اهمیت فوق‌العاده قائل بوده و به برپایی آن اهتمام زیاد داشتند. مراسمی مانند خروج از شهر و به انتظار نشستن و آمادگی برای ظهور حضرت ولی‌عصر برپایی عزاداری‌ها، به زیارت رفتن‌ها، جشن‌ها و مراسم مذهبی دیگر، با تکیه بر آموزه‌های مذهبی، اموری بودند که زندگی شیعیان را متمایز از پیروان دیگر مذاهب و ادیان نشان می‌داد. برای نمونه به دو مورد اشاره می‌شود:

www.noormags.ir

الف ـ انتظار: اعتقاد به ظهور منجی بر زندگی شیعیان و نوع رفتار وکنش آنان اثر داشت. آنان پیرو همین باور، برخی مراسم را برپا می‌داشتند. ابن بطوطه درباره مراسم انتظار مردم حله چنین گزارش می‌دهد:

> **همه مردم این شهر، دوازده امامی و از دوتیره‌اند... در نزدیکی بازار بزرگ شهرمسجدی قرار دارد که بر درآن پرده حریر آویزان است و آنجا را مشهد صاحب الزمان می‌خوانند. شبها پس از نماز عصر، صد مرد مسلح با شمشیرهای آخته، پیش امیر شهر می‌روند و از او اسبی یا استر زین کرده می‌گیرند و به سوی مشهد صاحب الزمان روانه می‌شوند... در برابر در، ایستاده آواز می‌دهند که : «بسم‌الله ای صاحب الزمان، بسم الله بیرون‌آی تباهی روی زمین را فراگرفته و ستم فراوان گشته، وقت آن است که برآیی تا خدا بوسیله تو حق را از باطل جدا گرداند... .**[۲۰]

مشابه چنین مراسمی در دیگر شهرهای شیعه نشین نیز انجام می‌شد. سبزوار از مراکزی بود که به انجام مراسم انتظار اقدام می‌کردند. «هر بامداد و شب به انتظار صاحب الزمان اسب کشیدی».[۲۱]

دیگر منابع تاریخی نیز به انجام این مراسم در سبزوار اشاره دارد:

> **... و اسبی به زین هر روز می‌کشید که حضرت امام محمّد مهدی سلام الله علیه خواهد آمد.**[۲۲]

ب ـ عزاداری‌ها و...: مراسم شیعی، شامل برپایی سوگواری‌ها در رثای امامان معصوم، به ویژه امام حسین و جشن‌های اعیاد شیعه نیز می‌شود. عزاداری برای امام حسین مراسم اختصاصی شیعیان نیست، تمام مسلمانان در برپایی این آیین به گونه‌ای شرکت دارند. البته شیعیان اهمیت ویژه‌ای برای اجرای مراسم عزاداری امام حسین و دیگر ائمّه قائل‌اند و آن را به عنوان برنامه و دستور دینی و مذهبی دانسته، با الهام از روایات، به زنده نگه‌داشتن و برپاداشتن آن همت می‌گمارند.

www.noormags.ir

مراسم شیعی و آیین بزرگداشت یاد امام حسین﵇ در قرن هشتم هجری نه تنها به دست شیعیان صورت می‌گرفت، بلکه در خراسان همه مسلمانان، اعم از شیعه و سنی برای امام حسین﵇ محافل عزاداری داشتند و کمی بعدتر در دربار تیموریان نیز عزاداری برای امام حسین﵇ برگزار می‌شد، چنانکه یکی از نویسندگان می‌نویسد:

گریه برای امام حسین{در عهد تیموریان} جانشین مجالس ذکر صوفیانه شده بود.[۲۳]

عزاداری، رونق فراوان یافت و رویکرد به نوشتن کتاب‌های مقتل وعزاداری زیاد شد. اولین مقتل فارسی به نام *روضة الشهداء* به قلم ملا حسین کاشفی، بعدها تحت تأثیر همان زمینه‌های قرن هشتم نوشته شد.

ارادت شیعیان به اهل بیت﵈ و خاندان پیامبرﷺ

علاقه و ارادت شیعیان به اهل‌بیت گرامی حضرت محمدﷺ نشئت گرفته از آیات و روایات است. می‌توان علاقه و محبت شیعیان به اهل بیت﵈ و تنفّر آنان را از دشمنان ایشان، از مؤلفه‌های خاص تاریخ اجتماعی شیعه به شمار آورد.

الف ـ احترام به ائمه﵈ و امام زادگان: ابراز علاقه مذهبی شیعه در قالب‌های گوناگون، مثل زیارت مقابر ائمّه﵈ و امامزادگان مدفون در نقاط مختلف سرزمین‌های اسلامی و احترام به ذریّه امامان﵈ (سادات) و... ظهور و بروز می‌یافت. کلاویخو در سفرنامه‌اش در مورد احترام به امام رضا﵇ و حرمت نهادن به کسی که این مرقد مطهّر را زیارت می‌کند، چنین می‌نویسد:[۲۴]

... سالانه گروه بیشماری به زیارت آن (مشهد) می‌آیند. هر زائری به آنجا رفته باشد چون باز گردد، همسایگانش نزد او می‌آیند و لبه قبای او را می‌بوسند.[۲۵]

آن‌گاه به واکنش مردم نسبت به خود و همراهانشان که به مشهد رفته و از آنجا برگشته‌اند، اشاره می‌کند:

www.noormags.ir

چون به این شهر رسیدیم ما را به زیارت این مکان مقدس و آرامگاه بردند، سپس چون در ایران راه می‌پیمودیم و برسرزبان‌ها افتاده بود که به زیارت مشهد مشرّف شده وآن مکان مقدس را دیده‌ایم، مردم همه می‌آمدند و لبهٔ قبای ما را می‌بوسیدند.[۲۶]

بقعه امام زاده احمد بن موسی‌ؑ (شاه چراغ)، همانند دیگر اماکن متبرکه شیعیان و قبور ائمه‌ؑ در نظر شیعیان از جایگاه بلندی برخودار بوده است. شیعیان همان‌گونه که به اماکن متبرکه کربلا و نجف و مشهد احترام می‌نهادند، مقام احمدبن موسی‌ؑ را نیز پاس می‌داشتند. ابن بطوطه در این‌باره چنین می‌نویسد:

ازجمله مزارات شیراز مقبره احمد بن موسی برادر علی الرضا بن موسی بن جعفر بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب ـ رضی الله عنهم ـ می‌باشد .... این بقعه در نظر شیرازیان احترام تمام دارد.[۲۷]

ب ـ انزجار از دشمنان ائمّه‌ؑ: همان‌گونه که ارادت به اهل بیت‌ؑ در جامعه شیعه نهادینه شده، نفرت از دشمنان ایشان نیز مسئله قابل توجهی در تاریخ اجتماعی شیعه است. به عنوان نمونه، شیعیان کوفه طی انجام مراسمی انزجارشان را از ابن‌ملجم اینچنین ابراز می‌کردند:

...در طرف مغرب قبرستان کوفه جایی را دیدم که در آن چیزی به رنگ سیاه تند در میان زمینه سفیدی جلب نظر می‌کرد و گفتند: قبر ابن ملجم است که مردم کوفه همه ساله هیزم فراوان بدانجا می‌برند و هفت روز آتش بر گور او می‌افروزند.[۲۸]

نمونه دیگر، اظهار تنفر از هارون‌الرشید و محبت و احترام به امام رضاؑ در شهر مشهد است:

روبروی قبر امام، قبر امیرالمومنین هارون‌الرشید واقع شده که آن هم ضریحی دارد و شمع‌دان‌ها روی قبر گذاشته‌اند...هنگامی‌که رافضیان[۲۹] وارد بقعه می‌شوند قبر هارون را لگد می‌زنند و به امام رضاؑ سلام می‌فرستند.[۳۰]

www.noormags.ir

ج) احترام به سادات: حضور سادات در میان شیعیان به تقویت ایمان و گستره آگاهی‌های دینی و مذهبی شیعیان می‌افزود. سادات چون از نسل پیامبرﷺ و ذریّه آن حضرت و وابسته به ائمه‌اند، از آغاز در جامعه شیعی مورد احترام و تکریم بودند. به تصریح منابع آن دوره، شیعیان به سادات احترام فراوان مبذول می‌داشتند. خواندمیر در کتاب حبیب *السیر* چنین گزارش می‌دهد:

> **خواجه علی مؤید چون به تأیید الهی در سبزوار بر مسند شهریاری نشست، در اظهار شعار مذهب علیّه امامیه، مبالغه نموده و باقصی الغایه در تعظیم سادات عظام کوشید[۳۱]... [و همو] درتعظیم علما و سادات به اقصی الغایه کوشید و سادات را برعلما مرجّح داشتی.[۳۲]**

سادات در جامعه شیعی، مقامی برتر از عامه مردم داشتند و جزء بزرگان مردم به شمار می‌آمدند، در بسیاری از مراسم و مجالس در کنار بزرگان جامعه می‌نشستند و مورد تکریم و احترام بودند. وجود نقیب که اوضاع زندگی و امور معیشتی سادات را مدیریت می‌کرد، در واقع امتیازی بود که در جوامع شیعی به سادات به عنوان فرزندان رسول خداﷺ و بستگان ائمهؑ داده می‌شد.

حرفه‌ها و مشاغل

با گستردگی قلمرو زیست شیعیان در نقاط مختلف دنیای اسلام، شهرها، روستاها و... نمی‌توان به آسانی از حرفه‌ها و مشاغل شیعیان در طول چند دهه صحبت کرد. در هر شهر و روستایی به اقتضای محیط جغرافیایی و فضای حاکم بر اقتصاد آن، حرفه‌های گوناگونی، از قبیل کشاورزی در روستاها گرفته تا شغل نظامی، تجارت، صید ماهی، خیاطی، بقّالی، طباخی، عطّاری و... رایج بوده است. گزارش کوتاه ابن‌بطوطه تنها از یک بازار در نجف اشرف نشان می‌دهد که چندین شغل، البته با یک نوع انسجام و دسته‌بندی و نظم، در این شهر شیعی وجود داشته است:

www.noormags.ir

بعد از عبور از بازار بقّالان، طبّاخان و خبّازان به بازار میوه‌فروشان و خیّاطان و قیصریه و بازار عطّاران رسیدیم. آخر بازار عطّاران باب حضرت است.[۳۳]

وی در جای دیگر می‌نویسد که «اهل نجف، تجارت‌پیشه‌اند».[۳۴]

توسل به ائمه‌ﷺ برای شفای بیماران

اهتمام شیعه به زیارت قبور پیشوایان دینی‌شان از چند زاویه قابل تحلیل و بررسی است. یک بُعد آن، صرف ارادت و محبت به خاندان پیامبرﷺ است. توسل به ایشان به منظور تقرّب که بُعد عبادی دارد، زاویه دیگر است و از منظر سوم، توسل به آنان و زیارتشان به سبب شفای بیماران. مراسم و آداب ویژه‌ای برای خواستن شفا و بهبودی بیماران در بعضی از جوامع شیعی مرسوم بوده است، مثل بستن بیمار به ضریح و مراسم ویژه‌ای که برای درخواست شفای بیمار از قبر امیرالمؤمنین علی‌ﷺ در قرن هشتم هجری وجود داشته که ابن بطوطه آن را چنین گزارش می‌کند:

در شب ۲۷ که لیله المحیا می‌نامند، عراقیان و خراسانیان و فارسیان و رومیان ... بعد از نماز خفتن در آنجا گرد می‌آیند و بیماران زمین‌گیر و افلیج را روی ضریح مقدّس می‌گذارند... .[۳۵]

بسیاری از شیعیان به مقابر و مشاهد مشرفه ائمه‌ﷺ و امام زادگان نزدیک می‌شوند تا از ایشان در رفع گرفتاری‌های زندگی و بهبود بیماری‌هایشان کمک بگیرند و با توسل به ایشان از خدا بخواهند گرفتاری‌ها و مشکلاتشان، به ویژه امراض را از آنان دور سازند و به همین منظور، نذر و نذوراتشان را نیز به چنین اماکنی می‌برند.

این بقعه (امام زاده احمد بن موسی) در نظر شیرازیان احترام تمام دارد و مردم [برای] تبرک و توسل به زیارت آن می‌روند.[۳۶]

در گزارشی دیگر می‌خوانیم:

از شهرهای عراق هرکس بیمار می‌شود، نذری برای روضه علی می‌کنند.[۳۷]

www.noormags.ir

ب) مناطق و شهرهای شیعه نشین

حضور شیعیان در جای جای دنیای اسلام در قرن هشتم هجری امری انکار ناپذیراست. هرجا اسلام پاگرفته است تشیّع را نیز می‌توان دید. اگرچه گستردگی و نفوذ شیعیان به اندازه اهل‌سنت نبوده است، لکن به رغم مشکلات و موانع که از سوی حاکمیت‌ها و خلافت در طول حیات‌شان بر ضد شیعیان اعمال شده است، این مذهب دوشادوش اهل‌سنت، البته به نسبت کمتر، دل‌های مشتاقان به اهل‌بیت پیغمبرﷺ را به خود جذب کرده و دستورات روشن‌گر ائمهؑ همواره راه‌گشای شیعیان بوده است.

گستردگی محبت و ارادت به پیامبر اعظم الهی حضرت محمدﷺ و خاندان بزرگوارش فراتر از شیعیان است. بسیاری از اهل‌سنت نیز به ائمّهؑ عشق و ارادت داشتند و همین مسئله، زمینه رشد و گسترش تشیع را در ایران فراهم آورده، و سبب پیروزی برخی قیام‌های شیعی شد. در قرن هشتم هجری شیعه در بسیاری از مناطق نفوذ داشته و مردم برخی شهرها همه یا بیشتر آنها شیعه، آن هم از نوع تشیّع امامی و اثناعشری بودند. مرکزیت دینی و مذهبی شیعیان در این قرن در عراق بود و از همان دیار، علومی مانند فقه، اصول، کلام و... به دیگر مناطق شیعه‌نشین منتشر می‌شد. در این زمان شیعیان در عراق، شام و حلب، روستاها و شهرک‌های جنوب لبنان،[۳۸] مناطق مرکزی ایران، خراسان و... حضور جدی داشتند. به گفته ابن‌بطوطه اهالی نجف،[۳۹] کربلا، حله، بحرین، قم، کاشان، ساوه، آوه و...شیعه مذهب و از غالیان بودند.[۴۰]

از *نزهة القلوب* مستوفی به خوبی می‌توان میزان حضور وپراکندگی شیعیان را در مناطق مختلف به دست آورد. در این کتاب حضور شیعیان را در برخی شهرهای ایران و دیگر نقاط چنین می‌خوانیم:

www.noormags.ir

ری: «اهل شهر و اکثر ولایات شیعه اثنا عشری‌اند، الّا ده قوهه و چند موضع دیگر که حنفی باشند و اهل آن ولایت، آن موضع [را] بدین سبب «قوهـه خـران» می‌خوانند».[۴۱]

تهران: «اهل آنجا شیعه اثناعشری باشند».[۴۲]

قزوین: «اندکی نیز...و شیعی باشند».[۴۳]

اشکور، دیلمان، طالش و...: «به قوم شیعه و بواطنه نزدیکترند».[۴۴]

آوه: «مردم آنجا شیعه اثنا عشری‌اند و در آن مذهب به غایت متعصب‌اند و با هـم اتفاق نیکو دارند».[۴۵]

ساوه: «اهل شهر شافعی و مذهب پـاک اعتقـاد... تمامـت دیهـا شـیعه اثناعـشری باشند».[۴۶]

قم: «مردم آنجا شیعه اثناعشری‌اند و به غایت متعصب».[۴۷]

کاشان: «مردم شیعه مذهب‌اند و اکثرشان حکیم وضع و لطیـف طبـع، و در آنجـا جهال و بطال کمتر باشند. و در آنجا غریب را کمتر زخم زنند».[۴۸]

تفرش: «مردم آنجا شیعه اثنا عشریه‌اند».[۴۹]

از دیگر شهرهای ایران که شیعه در آنها وجود دارد، عبـارت اسـت از: فراهـان،[۵۰] نهاوند،[۵۱] شیراز[۵۲] ـ با اندکی شیعه ـ و جرجان[۵۳] «که اهل آنجا شیعه و صاحب مروت باشند».

از خراسان، بیهق: «مردم آنجا شیعه اثناعشری‌اند».[۵۴] و نیز کمـال‌الـدین عبـدالرزاق سمرقندی درباره سبزوار ـ نام دیگر بیهق ـ می‌نویسد: «مردم سبزوار اکثرشیعه مذهب باشند».[۵۵]

شهر انبار، در عراق: «اکثر آنجا سیه چهره‌اند و بر مذهب اثناعشری».[۵۶]

حلّه: «اهل آنجا شیعه اثناعشری‌اند و اعتقادشان آنکه امام المنتظر المهـدی محمـد بن الحسن العسکری (رضع) که درسامره...غایب شد باز از آنجا بیرون خواهد

www.noormags.ir

آمد».[۵۷] ابن‌بطوطه درباره مردم حله می‌نویسد: «همه اهالی این شهر دوازده امامی و از دو تیره‌اند».[۵۸]

ج) عوامل مؤثر در تاریخ اجتماعی شیعیان

۱. دین و مذهب

دین و مذهب، از نظر شیعیان حقیقت یگانه و واحدی دارند. مذهب، روش عمل کردن به دین و دستورات دینی را برای پیروانش نشان می‌دهد. این عامل تأثیر و اهمیت بسیاری در زندگی شیعیان دارد. دین اسلام و مذهب تشیع بر تمام زوایای زندگی ایشان سایه انداخته، مراسم، آداب دینی و مذهبی و رفتارهای فردی واجتماعی آنان تحت تأثیر مستقیم دین و برگرفته از آموزه‌های دینی و مذهبی است. ساختن مساجد، تکایا، حسینیه‌ها، احترام به قرآن، اهمیت دادن به علم و عالم، مرجع قرار دادن علما در امور دین و دنیا، احترام به پیامبرﷺ، ائمه‌ﷺ، اهتمام به زیارت قبور ایشان، احترام به زوّار مقابر بزرگان دینی، احترام به سادات و... همه و همه با تأثیرپذیری از دین و مذهب است که به زندگی یک شیعه معنا می‌دهد.

از جمله اموری که با تأثیرپذیری از دین، در این دوره بسیار پر رونق بوده و تا حالا نیز ادامه دارد، زیارت، بنا، تعمیر و زیباسازی مکان‌ها و مشاهد مشرفه ائمّه‌ﷺ بوده است. ابن‌بطوطه در شرح حرم رضوی در مشهد مقدس می‌نویسد:

> **مشهد امام رضا قبه بزرگی دارد. قبر امام در داخل زاویه است که مدرسه و مسجدی نیز در کنار آن وجود دارد و این عمارت‌ها همه با سبکی بسیار زیبا و ملیح ساخته شده و دیوارهای آن کاشی است. روی قبر، ضریح چوبی قرار دارد که سطح آن را با صفحات نقره پوشانده‌اند. از سقف، قندیل‌های نقره آویزان است. آستان در قبه هم از نقره است و پرده ابریشم زر دوزی از در آویخته. داخل بقعه با فرش‌های گوناگون مفروش گردیده... .**[۵۹]

www.noormags.ir

در مورد حرم مطهر امام حسین﵇، به درِ نقره‌ای، قندیل‌ها و پرده‌های حریر اشاره می‌کند و اینکه هر زائری هنگام ورود از میان حاجبان و خادمان حرم عبور نموده، برآستان مبارکش بوسه می‌زند:

... هنگام ورود درِ عتبه شریفه را که از نقره است باید بوسید. روی ضریح مقدس امام قندیل‌های زرین و سیمین گذاشته شده و از درهای آن پرده‌های حریر آویخته‌اند.[۶۰]

احترام زائر نیز موردی دیگری است که در آن عصر به سبب احترام به اهل‌بیت﵈ در زندگی مردم به عنوان یک امر دینی مطرح بود. کلاویخو در سفرنامه‌اش در این باره چنین آورده است:

هر زائری به آنجا رفته باشد چون بازگردد، همسایگانش نزد او می‌آیند و لبه قبای او را می‌بوسند.[۶۱]

۲. رونق مساجد

ساختن بناهای با شکوه مساجد و چندین مسجد در هر شهر، نوع ارتباط مردم با مساجد و حضور در آن، امر دیگری است که در این قرن وجود داشته است. مسجد از یک طرف، محل عبادت و از سوی دیگر، جای تصمیم‌گیری‌ها و ارتباط میان مردم، حضور سیاسی ـ اجتماعی و شنیدن خطبه‌ها و موعظه‌هاست که می‌توان آن را کانون وحدت‌بخش دانست و در قالب نظام ارتباطی، به منزله رسانه‌های جمعی و به مراتب بالاتر از آن در این روز، تشبیه کرد. ابن‌بطوطه با توصیف حرم رضوی﵇ از مسجد و مدرسه در جوار حرم نیز نام می‌برد.[۶۲] وی درباره مسجد حله می‌نویسد:

در نزدیکی بازار بزرگ شهر، مسجدی قرار دارد که بر درِ آن پرده‌ای حریری آویزان است و آنجا را مشهد صاحب الزمان می‌خوانند.[۶۳]

www.noormags.ir

در دوران سربداران، به دستور خواجه علی مؤید، مسجد جامع شهر سبزوار با نما و شکوه چشم‌گیری بنا شد. ابن‌یمین در قصیده بلندی، طاق، آب نما و... آن را توصیف می‌کند و برخی از اشعار وی چنین است:

حبّذا طاقی که جفت این رواق اخضر است — وز بلندی مر زمین را آسمانی دیگر است
مسجد جامع همی خوانندش اما جنتی است — و اندر و فواره‌ای مانند حوض کوثر است
آب آن فواره تا سر برزد از جیب زمین — از رشاش او هوا را دائماً دامن تر است.[۶۴]

برخی مساجد مهم که امروزه در شهرها وجود دارد، یادگار آن دوران است و مورد توجه بوده و رونق داشته است. یکی از آن مساجد مسجد جامع عتیق شیراز است که ابن‌بطوطه درباره آن چنین گزارش می‌دهد:

مسجد بزرگ شیراز به نام مسجد عتیق، یکی از وسیع‌ترین و زیباترین مساجد است، صحن بزرگ آن با مرمر فرش شده و تابستان‌ها هرشب صحن آن را می‌شویند و... .[۶۵]

۳. باورهای مذهبی

از باورهای بسیار پر رنگ آن دوران برای شیعیان که هم چون گذشته اهمیت خاص داشت و جزء اعتقادات بود باور و اعتقاد به منجی و ظهور قریب الوقوع مهدی بود. مستوفی اعتقاد مردم سامره به غیبت امام المنتظر المهدی محمد بن الحسن العسکری را از ویژگی‌های آنها می‌شمارد.[۶۶] وی درباره اعتقاد شیعیان به امام منتظر می‌نویسد:

شیعیان امامیه، محمد منتظر، امام دوازدهم را مهدی می‌خواندند. شیعیان امامیه معتقد بودند که حضرت مهدی زنده است و پنهان گشته، ولی دیر یا زود ظهور خواهد کرد و تجددی در دین پدید خواهد آورد و همچنان‌که در صدر اسلام بوده است، برقرار خوهد ساخت.[۶۷]

مسئله انتظار و مراسم آن در حکومت سربداران نیز مطرح بود و مراسمی نیز برای انتظار ترتیب می‌دادند[۶۸]. این باور مذهبی در جامعه شیعه به اصلی خدشه‌ناپذیر تبدیل شده و در واقع، مشخصه جامعه شیعه بود.

www.noormags.ir

۴. نهادهای اجتماعی شیعه

از دیگر عوامل اثرگذار بر تاریخ اجتماعی شیعه در نیمه دوم قرن هشتم هجری می‌توان به ساختار اجتماعی و سازمان و تشکیلات شیعیان اشاره کرد. شیعیان در طول تاریخ، ساختار تشکیلاتی ویژه خود را داشته و دارند که تشیّع را از دیگر فرقه‌های اسلامی ممتاز ساخته است. تشیّع به لحاظ باورمندی به وجود حجت خدا و معصوم در زمین، باور به نیابت فقیه و عالم از او و اعتقاد به فقه پویایی که مجتهد عهده‌دار آن است، تشکّلی متمایز از سایر فرقه‌ها دارند. در این سازمان اجتماعی، عالم دین و فقیه در زمان غیبت معصوم از ایشان نیابت می‌کند و مرجع شیعیان به شمار می‌آید. در این‌جا به چند نمونه از این نهادهای جامعه شیعه در قرن هشتم اشاره می‌شود:

الف ـ نهاد مرجعیت: مرجع، عالم دینی است که در امور دینی و مسائل فقهی، درجه تخصص علمی دارد و صاحب نظر است. چنین فردی مصدر مراجعات مردم در امور رفتاری و باید و نبایدهایی است که باید شیعه متناسب با آن اعمال‌شان را تنظیم کنند. برخی گزارش‌های تاریخی از نیمه دوم قرن هشتم هجری، توجه جامعه شیعه را به این امرنشان می‌دهد که شیعیان ملتزم بودند تا امور مربوط به ساحت رفتارشان را طبق دستور و فتوای مرجعیت شیعه نظم بخشند. از این‌رو از شهید اول برای سفر به خراسان دعوت به عمل می‌آید تا با علم و عملش شیعیان را رهبری کند. نامه علی مؤیّد به شهید اوّل گواه این مطلب است:

> **... به عرض آن جناب که پیوسته قبله صاحب نظران است می‌رسانیم که شیعه خراسان ـ که خداوند در پناه خویش گیرد ـ تشنه دیدار شمایند و فیض بردن از دریای فضل و دانش‌تان. بزرگان علمی این دیار از بد روزگار همه پراکنده گشته و بیشتر یا همه‌شان تار و مار شده‌اند... . ما، در میان خویش کسی را که به فتوایش به لحاظ علمی بتوان اعتماد کرد یا مردم بتوانند عقائد درست را از وی فراگیرند**

www.noormags.ir

نمی‌یابیم و از خدای متعال مسئلت داریم که حضرتت به ما افتخار حضور و نور افشانی بخشد تا از علمش پیروی کنیم و از راه و رسمش رفتار آموزیم... .[۶۹]

مرحوم قاضی نورالله شوشتری جریان دعوت و پاسخ شهید اوّل را چنین نقل می‌کند:

درکتابت، حجت‌ها به شیخ گرفته، اظهار آن نمود که در خراسان کسی نیست که مردم در احکام شرعیه به فتوی او عمل نمایند. بر شما واجب است که متوجه این دیار شوید و اهل این دیار را ارشاد فرمائید والّا فردای قیامت من و جمیع شیعه خراسان در خدمت حضرت پیغمبر و ائمه هدی از تو شکایت خواهیم کرد... . شیخ در جواب نوشت: از همین کتاب که مشتمل بر فتاوی من است اعمال شرعیه شیعه انتظام می‌یابد و وجوب توجه من به آن دیار ساقط می‌شود.[۷۰]

ب ـ **نقابت:** نقابت، نهاد دیگری در تاریخ تشیع است که از گذشته، منصب و مقام پذیرفته شده در میان جامعه بود. این نهاد در قرن هشتم هجری نیز وجود داشت. نقبا نقش برجسته و مهمی در میان شیعیان داشتند. آنان به امور سادات که مورد احترام مسلمانان بود رسیدگی می‌کردند و مواظب بودند تا کسی به دروغ خود را از سادات نخواند و در برخی موارد هم از منافع مذهب شیعه دفاع می‌نمودند. این نهاد به عنوان یک مقام اجتماعی از گذشته تا آن روز در جامعه شیعه نقش به‌سزایی داشت. ابن‌بطوطه از نقیب شهر نجف که با او دیدار داشته یاد می‌کند: «نقیب نجف، نظام الدین حسین بن تاج الدین الآوی بود» و در قسمت دیگر می‌افزاید: « تمام کارهای شهر به دست نقیب الاشراف است».[۷۱]

وی در قسمت دیگر سفرنامه‌اش از سادات شیراز و نقیب آنان یاد کرده است:

شیراز از جمله شهرهایی است که سید در آن بس زیاد است و من از اشخاص مؤثق شنیدم که عده‌ای سادات شیراز ـ آن‌هایی که مستمری دارند ـ از کوچک و بزرگ هزار و چهارصد و کسری است و نقیب آنان عضدالدین حسینی نام دارد.[۷۲]

ج) **فتوت:** فتوت به معنای جوانمردی در تاریخ شیعه از حد یک مفهوم خاصِ لغوی، فراتر رفته به هنجار و حتی نهاد اجتماعی تبدیل شده است.

www.noormags.ir

فتوت و جوانمردی روحیه‌ای است که بیشتر منشأ مذهبی دارد و از مذهب تأثیر گرفته است. «کاشان؛ مردم شیعه مذهب‌اند... در آنجا غریب را کمتر زخم زنند».[۷۳]

فتوت بعدها به عنوان یک عامل مهم در تاریخ شیعه نقش مثبت خود را نمایان کرده و گروهی با روحیه جوانمردی و فتوت بر سر کار آمدند:

آئین عدالت چنان در قلمرو آنان (سربداران) رونق گرفته که سکه‌های طلا ونقره در اردوگاه ایشان روی خاک می‌ریخت و تا صاحب آن پیدا نمی‌شد کسی دست به سوی آن دراز نمی‌کرد.[۷۴]

اینها نمونه‌هایی در جامعه شیعه آن‌روز است که از روحیه خاص مردانگی و فتوت شیعیان حکایت می‌کند.

۵. حوادث مهم (طبیعی و غیر طبیعی)

حوادث مهم که تاریخ اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهند در مرحله نخست، دو نوع‌اند: یکی، حوادث و روی‌دادهای طبیعی، مانند سیل، زلزله، طوفان‌های مخرب، بیماری‌ها، قحطی، امراض و... که می‌تواند سرنوشت مردم و جامعه را دست‌خوش تغییر و تحول نماید، و دیگری، حوادث و روی‌دادهای مهم و مؤثر غیر طبیعی، از قبیل جنگ‌ها و ویرانی‌های ناشی از آن، اختلاف و کشمکش‌های قبیله‌ای و مذهبی، مهاجرت‌ها و... که به مواردی از این نوع حوادث، اشاره می‌شود:

الف ـ جنگ‌ها: جنگ، حادثه ویران‌گر و تأثیرگذار در زندگی انسان‌هاست. با جنگ، شکست، پیروزی، قتل‌عام، ویرانی، فقر وگرسنگی وهزاران پیامد مهم اجتماعی را می‌توان شمرد که تاریخ جامعه و مردم را متحول می‌سازد. در فاصله میان انقراض ایلخانان تا روی کار آمدن تیموریان که این نوشتار بخشی از آن را به عهده دارد، جنگ‌های خونین و ویرانگری در میان ملوک مختلف ایران صورت گرفت. یک نمونه از آن جنگ میان حاکم کرت و سربداران در نیشابور است که پیامد هولناک و مخرّبی را برای مردم آن سامان بر جای نهاد:

www.noormags.ir

ملک غیاث‌الدین عزم تسخیر نیشابور کرد و چون ملک حنفی مذهب بود و خواجه علی شیعی، علمای هرویه نظامیه فتوی می‌دادند که دفع شیعه واجب است... . سال دیگر باز آمد و در این نوبت به نوعی خرابی کردند که اکثر باغات و عمارات را از بیخ کندند وکاریزها انباشته و درختان جوز صد ساله و دویست ساله انداختند... و ملک یکی از رعایا را گفت: هی مردک! بنیاد اسلام بر چند است؟ فی الفور فصیحانه گفت: به مذهب خواند ملک سه: یکی، غلّات مسلمانان خوراندن، دوم، کاریزها انباشتن، و سه دیگر، درختان قدیم وجدید انداختن![۷۵]

ب ـ تعصبات مذهبی و قبیله‌ای: تعصبات مذهبی عامل دیگر اثرگذار بر روند زندگی مردم است. تحریک عصبیت‌های مذهبی گاهی صدمات جبران‌ناپذیری را در جامعه و زندگی مردم بر جای می‌نهاد و محیط زیست و معاش را مختل می‌ساخت. گزارش فوق، نمونه گویا و روشنی است که در آن از تحریک احساسات مذهبی برای سرکوبی رقیب بهره برده شده و نتیجه آن، جنگی خونین بوده که به زیرساخت‌های زندگی مردم آسیب رسانده است. ابن بطوطه درباره اصفهان، کشمکش‌های فرقه‌ای و تخریب شهر چنین اشاره می‌کند:

اصفهان شهری بزرگ و زیباست، ولی اکنون قسمت زیادی از آن در نتیجه اختلافاتی که بین سنیان و شیعیان آن شهر به وقوع می‌پیوندد به ویرانی افتاده.[۷۶]

این در حالی است که مستوفی در مورد اصفهان از شیعیان و اختلاف آن با سنیان نام نمی‌برد و برعکس، نزاع را در میان خود اهل‌سنت می‌داند:

اکثراً سنّی و شافعی مذهب و در طاعت درجه تام دارند، اما بیشتر اوقات با هم در محاربه و نزاع باشند.[۷۷]

ابن بطوطه با نظر بدبینانه نسبت به سربداران و اینکه آنان به هدف از بین بردن اهل‌سنت از خراسان قیام کرده و بر این هدف پای می‌فشارند، چنین می‌گوید:

این قوم (سربداران) جملگی مذهب رفض (تشیّع) داشتند و سودای برانداختن ریشه تسنن از خراسان را در سر می‌پختند.[۷۸]

www.noormags.ir

در مورد تعصبات قبیله‌ای باز هم از ابن بطوطه گزارش می‌دهد که مردم برخی شهرهای عراق با آنکه از یک مذهب پیروی می‌کردند با هم درگیری و نزاع قبیله‌ای داشتند و این نزاع باعث ویرانی شهرشان می‌شد:

همه اهالی این شهر(حلّه) دوازده امامی و از دو تیره اند...و بین این دو دائماً جنگ و نزاع هست... مردم کربلا از دو طائفه‌اند: اولاد رخیک و اولاد فائز، و این دو دائما در جنگ و نزاع اند...اختلاف میان آنها به حدی است که شهر را به ویرانی کشانده است.[۷۹]

اگرچه ممکن است ابن‌بطوطه در این گزارش خود اغراق کرده باشد، اما به هر حال، حاکی از عصبیت‌های قبیله‌ای است که به راحتی نمی‌توان از آن چشم پوشید و این عامل در به وجود آوردن نزاع‌ها و کشمکش‌های قبیله‌ای نقش بارز دارد.

ج ـ مهاجرت: هجرت عامل دیگر در تحولات اجتماعی است که منشأ تغییرات و تطوّرات فراوانی در جوامع و افکار می‌شود. این عامل در تاریخ شیعه، آثار شگرفی را با خود همراه داشته است. مهاجرت أئمه و امام زادگان﵇ به برخی مناطق اسلامی، مهاجرت سادات به اقصی نقاط دنیای اسلام و معرفی تشیّع، رفتن برخی قیام کنندگان شیعه به مناطق دورتر از مرکزخلافت و برپایی حاکمیت‌های شیعی، مهاجرت علمای شیعه به شهرها و مراکز علمی برای دریافت احادیث معصومان و یادگیری علوم دینی و نشر آن در میان عامّه مردم و...، در پی فرهنگ هجرت پدید آمده است. این عامل هم پیش از قرن هشتم هجری و هم پس از آن منشأ آثار مهم اجتماعی برای تشیّع بوده است. اسلام آوردن و گرایش ایلخانان به اسلام و تشیع بر اثر مهاجرت و ارشاد دانشمندان و علمای شیعه، صورت گرفت و از همین رو حاکم سربداری از شهید ثانی برای مهاجرت به ایران دعوت به عمل آورد، هرچند شهید موفق به مهاجرت نشد.

مهاجرت علما به دیگر بلاد اسلامی، از گذشته تا کنون امری مرسوم و مورد انتظار بوده است. یکی از بزرگان این قرن میرسید علی همدانی(۷۱۳-۷۸۷ق)

www.noormags.ir

است که برای انجام تبلیغ دین، ایران را ترک و به کشمیر رفت و نقش مهمی در ترویج و تبلیغ اسلام داشت، به گونه‌ای که او را «حواری کشمیر»[۸۰] لقب داده‌اند.

نتیجه

بررسی تاریخ اجتماعی شیعیان نشان می‌دهد که در نیمه دوم قرن هشتم هجری آنان در بسیاری از شهرهای ایران و عراق حضور داشته و وضعیت اجتماعی شیعیان در شهرهای مورد نظر، تحت تأثیر وضعیت اقلیمی، حضور و عدم حضور مقابر ائمه، مسائل و پیش‌آمدهای گونان بوده است. ساکنان شهرهایی مانند نجف، کوفه، حله، قم و... همه شیعه و در برخی شهرها شیعه حضور بیشتری داشته و در موارد بیشتر در اقلیت‌اند.

با نگاهی کلی می‌توان گفت که در این دوره شیعیان مشکلات و سختی‌های که در برخی ایام به علت پای‌بندی‌شان به مذهب شیعه با آن روبه‌رو بودند، نداشته و چه بسا آزادی و اقتدار هم داشته‌اند. در مقطع مورد بحث در بخش‌هایی از قلمرو اسلامی، مانند سبزوار، تشیع بالندگی یافته و حاکمیت شیعی به گسترش فرهنگ و آموزه‌های شیعی همت می‌گمارد و از دانشمندان و عالمان شیعی برای نشر معارف شیعه و تنظیم امور و رفتارهای شیعیان براساس فتوای ایشان دعوت به عمل می‌آید.

مراسم خاص شیعیان بدون هیچ مانع جدی در بیشتر نقاط شیعه نشین برگزار می‌شود و آموزه‌های مذهبی در مساجد و مقابر بزرگان دینی به گوش مردم می‌رسد. رسم به انتظار نشستن مهدی موعود و خروج از شهر به پیشواز مقدمش در برخی شهرها، برپایی مراسم عزاداری، سنت زیارت مقابر و مشاهد مشرفه ائمه و امام زادگان در هر نقطه، مورد نظر و توجه بوده و شیعیان به آن اهتمام می‌ورزیدند. شیعیان در عین اجرای مراسم مذهبی و پای بندی به

www.noormags.ir

آموزه‌های دینی و مذهبی‌شان علناً تنفر و انزجار خود را از دشمنان اهل‌بیت علیهم‌السلام نشان می‌دادند.

زندگی شیعیان متأثر از آموزه‌های دینی و مذهبی و با استفاده از فرمایشات معصومان علیهم‌السلام به طور خداپسندانه هدایت یافته، نذورات و صدقاتشان برای زوار، مسافران، طلاب علوم دینی و بازسازی و بنای اماکن مذهبی هزینه می‌شد. شیعیان در این دوره، همچون مقاطع دیگر، سبک زندگی مخصوص به خود داشته، در تغذیه، معماری و برپایی مراسم مذهبی متفاوت از پیروان مذاهب دیگر ظاهر می‌شدند.

همچنین شیعیان تشکیلات و نهادهای اجتماعی مخصوص به خود را داشتند که در جوامع غیر شیعی به چشم نمی‌خورد، مانند : نهاد مرجعیت، نهاد نقابت و مدیریت امور سادات. ارتباط و پیوند میان مردم و رهبران دینی از طریق مساجد و ... برقرار می‌شد و مردم از همین طریق نیز آموزه‌های دینی و دستورهای مذهبی را دریافت می‌کردند. همچنین جامعه شیعی فرهنگ و الگوهای خاص شیعه را از طریق نمادهای خاص شیعه دریافت می‌کردند و در یک کلام، سیستم خاص و تشکیلات ویژه به جامعه شیعه و شیعیان نظم و نسق می‌بخشید.

پی‌نوشت‌ها

۱. در تهیه و تنظیم این مقاله، به ویژه چارچوب اصلی و محورهای آن مرهون پیشنهادات و راهنمائی‌های ارزشمند استاد محترم جناب آقای دکتر محسن الویری است. (مؤلف)

۲. مکتب آنال در قرن بیستم توسط دو مورخ فرانسوی به نام‌های لوسین فور و مارک بلوخ پدید آمد. این جریان، روش جدیدی در تاریخ‌نگاری به شمار می‌آید که در پی انتقادات و اعتراضات جامعه‌شناسان به مورخان و دانش تاریخ شکل گرفت. مکتب آنال رویکرد جدیدی در تاریخ نگاری است که با نقد بینش تاریخ‌نگاری سنتی، برای بررسی تحولات تاریخی، از روش‌های سایر علوم انسانی بهره می‌گیرد و سعی در برقراری پیوند میان دانش تاریخ و سایر علوم انسانی دارد. فور و بلوخ در دانشگاه استراسبورگ فرانسه برخی از زبده‌ترین دانشمندان علوم انسانی در رشته‌های گوناگون جامعه شناسی، علوم سیاسی، جغرافیا و تاریخ و... را گردهم جمع کرده و در سالنامه‌ای نظراتشان را درباره تاریخ و پدیده‌های تاریخی بیان داشتند. آنان با توجه به ضعف‌های عمده تاریخ‌نگاری سنتی که تنها شامل تاریخ سیاسی، نظامی و تاریخ مذهب می‌شد، به لایه‌ها و دیگر زوایای تاریخی به گستردگی تاریخ اجتماعی، تاریخ اقتصادی، تاریخ سرمایه‌ها و... نیز توجه و توصیه کردند. به اعتقاد آنان مورخ می‌بایست از

www.noormags.ir

لایه‌های سطحی و ظاهری تاریخ گذر کرده به زوایای پنهان و طبقات زیرین تاریخی راه یابد تا به فهم تمام ابعاد و زوایای تحولات تاریخی بشر نایل گردد. بُعد مهم این مکتب که تحول عمیقی در تاریخ‌نگاری به شمار می‌آید، نگاه غیر سنتی به تاریخ و توجه به توده‌ها است، ر.ک: روح‌الله بهرامی، مکتب آنال؛ *جامعیت فکر تاریخ‌نگاری*، ص ۴۹ ـ ۵۲.

۳. ه. ر، رویمر، «تاریخ ایران دوره تیموریان»، *تاریخ ایران کمبریج*، ۱۳۷۹، ص ۱۱.

۴. ای. پی. پطروشفسکی، *نهضت سربداران*، ۱۳۵۱، ص ۷ ـ ۹.

۵. همان، ص۱۵.

۶. همان، ص۱٤. پطروشفکی روسی، براساس تفکر مارکسیستی خود، جنبه طبقاتی به قیام‌های مذهبی می‌دهد و حرکت‌های مذهبی در روستاها را جنبش روستایی (ارباب ـ رعیتی) وانمود می‌کند. اما بررسی دقیق و بی‌طرفانه نشان می‌دهد که این حرکت‌ها صرفاً جنبه مذهبی داشته و فاقد ماهیت طبقاتی بودند.

۷. همان، ص ۱۵، به نقل از: *محرم نامه سیداسحاق*.

۸. حسن انوری، *فرهنگ بزرگ سخن*، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۱۵٦۸.

۹. ولادت ابن بطوطه در سال ۷۰۳ ق و درگذشت وی در سال ۷۷۹ق ثبت شده و پایان نوشتار او را سوم ذی حجه ۷۵٦ نوشته‌اند، ر.ک: شرف‌الدین ابوعبدالله محمد لواتی طنجی (ابن بطوطه)، *سفرنامه ابن بطوطه*، ۱۳۳۷، مقدمه مترجم، ص ۲۵ و ص ۸۱٦.

10 life style.

۱۱. مؤلفه (Moallefe) یعنی آنچه شاخص و نمایانگر امری باشد، ر.ک: حسن انوری، همان، ج ۷، ص ۷۵۰۰.

۱۲. ابن بطوطه، همان، ص ۳۱۹.

۱۳. همان، ص ۲٤۰.

۱۴. همان، ص ۱٦٦.

۱۵. کمال‌الدین عبدالرزاق سمرقندی، *مطلع السعدین و مجمع البحرین*، ۱۳۵۳، ص ٤۲۷.

۱۶. ابن‌یمین فریومدی، *دیوان اشعار*، [بی‌تا]، ص ۳۰.

۱۷. ابن بطوطه، همان، ص ۲۳۹.

۱۸. کمال‌الدین عبدالرزاق، سمرقندی همان، ص ٤۲۷. همچنین غیاث‌الدین بن همام الدین حسینی (خواندمیر)، *تاریخ حبیب السیر فی احوال افرادالبشر*، ج ۳، ص ۳٦٦.

۱۹. جان ماسیون اسمیت، *خروج و عروج سربداران*، بی‌تا، ص۲۵۹ / رسول جعفریان، *تاریخ ایران اسلامی(۳) ازیورش مغولان تا زوال ترکمنان*، ۱۳۷۸، ص۱۸۱.

۲۰. ابن بطوطه، همان، ص ۲۱۳ ـ ۲۱٤.

۲۱. محمدبن خاوند شاه بن محمود(میرخواند)، *روضة الصفاء*، ۱۳۸۰، ج ۸ ، ص٤۵۲٤ و قاضی نورالله شوشتری، *مجالس المؤمنین*، ۱۳۷٦، ج ۲، ص ۳٦۷.

۲۲. کمال‌الدین عبدالرزاق سمرقندی، همان، ٤۲۷. همچنین ر.ک: غیاث الدین بن همام الدین حسینی (خواندمیر)، همان، ص ۳٦٦.

۲۳. کامل مصطفی شیبی، *تشیّع وتصوّف*، ۱۳۸۵، ص ۳۲۷. گفتنی است شیبی در کتابش میان تصوف و تشیع پیوند برقرار می‌کند و سعی دارد با ارائه شواهد و قراینی این ادعا را به اثبات برساند، در مقابل، برخی دانشمندان شیعی ادعای شیبی را قبول نداشته و در رد آن، کتاب‌هایی نیز نگاشته‌اند که می‌توان به اثر هاشم معروف حسینی با

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

www.noormags.ir

عنوان *بین التشیع و التصوف* اشاره کرد، همچنین داود الهامی در اثری با عنوان *موضع تشیع در برابر تصوف*، ادعای شیبی را مردود می‌داند. در این آثار با اشاره به تفاوت ماهوی میان تشیع و تصوف و این‌که اصول و قواعد مورد قبول شیعه با آموزه‌های صوفی‌گری متفاوت و چه بسا مخالف است، ادعای شیبی مردود شمرده می‌شود و با توجه به فرمایشات معصومان﵈ در رد صوفی‌گری، هیچ گونه پیوندی میان فکر تشیع و تصوف باقی نمی‌ماند، ر.ک: هاشم معروف حسنی، *بین التشیع و التصوف*، و داود الهامی، *موضع تشیع در برابر تصوف*، ۱۳۷۸.

۲۴. این گزارش به چند سال اول (کمتر از یک دهه) قرن نهم هجری برمی‌گردد و به لحاظ قرب زمانی می‌توان به آن استناد کرد.

۲۵. کلاویخو، سفرنامه کلاویخو، ۱۳۷٤، ص۱۹۲.

۲۶. همان.

۲۷. ابن بطوطه، همان، ص ۲۲۹.

۲۸. همان، ص ۲۱۳.

۲۹. رافضه، عنوانی است که برخی از اهل‌سنت متعصب آن را با هدف طعنه و تهمت، بر شیعیان اطلاق می‌کردند.

۳۰. ابن بطوطه، همان، ص۳۹٦.

۳۱. خواندمیر، همان، ص۳٦٦.

۳۲. محمدبن خاوند شاه بن محمود(میرخواند)، همان، ص٤٥۲٤ / قاضی نورالله شوشتری، همان، ج ۲، ص ۳٦۷.

۳۳. ابن بطوطه، همان، ص۱٦٥.

۳۴. همان، ص۱٦۷.

۳۵. همان.

۳۶. همان، ص ۲۲۹.

۳۷. همان، ص ۱٦۷.

۳۸. رسول، جعفریان، همان، ص۲٤۷.

۳۹. ابن بطوطه، همان، ص ۱٦٥.

۴۰. همان، ص۱۷٦.

۴۱. حمدالله مستوفی‌قزوینی، *نزهة القلوب*، ۱۳٦۲، ص ٥٤.

۴۲. همان، ص٥٥.

۴۳. همان، ص٥۸.

۴۴. همان، ص٦۰.

۴٥. همان، ص ٦۰ / ابن بطوطه، همان، ص ۱٦۸.

۴۶. همان، ص٦۲ - ٦۳.

۴۷. همان،، ص٦۷.

۴۸. همان، ص٦۸.

۴۹. همان.

٥۰. همان، ص٦۹.

٥۱. همان، ص۷٤.

٥۲. همان، ص۱۱٥.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

www.noormags.ir

۵۳. همان، ص۱۵۹.
۵۴. همان، ص ۱۵۰.
۵۵. کمال‌الدین عبدالرزاق سمرقندی، همان، ص۴۲۷.
۵۶. حمدالله مستوفی‌قزوینی، همان، ص ۳۸.
۵۷. همان، ص ۴۰.
۵۸. ابن بطوطه، همان، ص۲۳۹.
۵۹. همان، ص۳۹۶.
۶۰. همان، ص ۲۴۰.
۶۱. کلاویخو، همان، ص ۱۹۲.
۶۲. ابن‌بطوطه، همان، ص ۳۹۶.
۶۳. همان، ص۲۳۹.
۶۴. ابن‌یمین فریومدی، همان، ص ۳۰.
۶۵. ابن‌بطوطه، همان، ص۲۱۶.
۶۶. حمدالله مستوفی، همان، ص۴۰ / ابن بطوطه، همان، ص ۲۱۳ ـ ۲۱۴.
۶۷. ای. پی. پطروشفسکی، همان، ص ۱۵.
۶۸. محمدبن خاوند شاه بن محمود(میرخواند)، *روضة الصفاء*، ص۴۵۲۴ / قاضی نورالله شوشتری، *مجالس المؤمنین*، ج۲، ص۳۶۷ / کمال‌الدین عبدالرزاق سمرقندی، *مطلع السعدین*، ص۴۲۷. همچنین ر.ک: غیاث‌الدین بن همام الدین الحسینی (خواندمیر)، *تاریخ حبیب السیر فی احوال افرادالبشر*، ۱۳۳۳ ش، ص۳۶۶.
۶۹. زین‌الدین جبعی عاملی(شهیدثانی)، *الروضة البهیّه فی شرح اللمعه الدمشقیه*، ج ۱، ص ۱۳۴ / خطبه افتتاحیه کتاب. ر.ک: رسول جعفریان، همان، ص۱۸۲ / یعقوب آژند، *قیام شیعی سربداران*، ص۱۹۲.
۷۰. قاضی نورالله شوشتری، *مجالس المؤمنین*، ج۲، ص۳۶۶- ۳۶۷.
۷۱. ابن‌بطوطه، همان، ص ۱۶۸.
۷۲. همان، ص۲۰۵.
۷۳. همان، ص۶۸.
۷۴. همان، ص۳۹۰.
۷۵. کمال‌الدین عبدالرزاق سمرقندی، همان، ص ۴۲۷. همچنین ر.ک: معین‌الدین محمد زمچی اسفزاری، *روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات*، ۱۳۳۹ ش، بخش دوم، ص۳۰ ـ ۳۱.
۷۶. ابن بطوطه، همان، ص ۱۹۰.
۷۷. حمدالله مستوفی، همان، ص ۴۹.
۷۸. ابن بطوطه، همان، ص ۳۹۰.
۷۹. همان، ص۲۱۳.
۸۰. محمد ریاض، «تصحیح متن مکتوبات میر سید علی همدانی»، *مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران*، شماره اول، سال ۲۰، ۱۳۵۳، ص ۳۳.

www.noormags.ir

منابع

- ابن بطوطه، شرف‌الدین ابوعبدالله محمد لواتی طنجی، *سفرنامه ابن بطوطه*، ترجمه محمدعلی موحد، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۷.
- ابن‌یمین فریومدی، *دیوان اشعار*، تصحیح حسین‌علی باستانی‌راد، انتشارات کتاب‌خانه سنائی، [بی‌تا].
- آژند، یعقوب، *قیام شیعی سربداران*، تهران، نشر گستره، ۱۳۶۳.
- اسفزاری، معین الدین محمد زمچی، *روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات*، بخش دوم، تصحیح سیدمحمدکاظم امام، تهران، چاپخانه دانشگاه، ۱۳۳۹.
- الهامی، داود، *موضع تشیع در برابر تصوف*، قم، مکتب اسلام، ۱۳۷۸.
- انوری، حسن، *فرهنگ بزرگ سخن*، *تهران*، ۱۳۸۱.
- بهرامی، روح الله، مکتب آنال؛ *جامعیت فکر تاریخ‌نگاری*، شیراز، انتشارات نوید، ۱۳۸۶.
- پطروشفسکی،ای. پی، *نهضت سربداران*، ترجمه کریم کشاورز، تهران، انتشارات پیام، ۱۳۵۱.
- جان ماسیون اسمیت، خروج و عروج سربداران، ترجمه یعقوب آژند، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، [بی‌تا].
- جعفریان، رسول، *تاریخ ایران اسلامی(۳) از یورش مغولان تا زوال ترکمنان*، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۸.
- حسنی، هاشم معروف، *بین التشیع و التصوف*، بیروت، دارالعلم، ۱۹۷۹ م.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین حسینی، *تاریخ حبیب السیر فی احوال افراد البشر*، تهران، انتشارات کتابخانه خیام، ۱۳۳۳.
- رویمر، ه. ر، «تاریخ ایران دوره تیموریان»، *تاریخ کمبریج*، ترجمه یعقوب آژند، تهران، جامی، ۱۳۷۹.
- ریاض، محمد، «تصحیح متن مکتوبات میر سید علی همدانی»، *مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران*، سال ۲۰، شماره اول، ۱۳۵۳.
- سمرقندی، کمال‌الدین عبدالرزاق، *مطلع السعدین و مجمع البحرین*، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران، کتابخانه طهوری، ۱۳۵۳.
- شهیدثانی، زین‌الدین جبعی عاملی، *الروضة البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه*، بیروت، داراحیاءالتراث العربی.
- شوشتری، قاضی نورالله، *مجالس المؤمنین*، تهران، کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۷۶ ق.
- شیبی، کامل مصطفی، *تشیّع وتصوّف*، ترجمه علی‌رضا ذکاوتی قراگوزلو، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۵.
- کلاویخو، *سفرنامه کلاویخو*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴، چاپ سوم.
- مستوفی قزوینی، حمدالله، *نزهة القلوب*، به اهتمام و تصحیح گای لیسترنج، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۲.
- میرخواند، محمد بن خاوند شاه، *روضة الصفاء*، تصحیح جمشید کیان‌فر، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۰.

www.noormags.ir